

تأثیر نگرش مالی و دانش مالی بر ظرفیت مالی افراد با در نظر گرفتن نقش خود کارآمدی مالی مشتریان بانک ملت

نوع مقاله: ترویجی

حاجیه رجبی فرجاد^۱

محمد مهدی رمضان زاده^۲

مینا عبدی شاهسوار^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر نگرش مالی و دانش مالی بر ظرفیت مالی افراد با در نظر گرفتن نقش خود کارآمدی مالی در بین مشتریان بانک ملت در شهر تهران است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی پیمایشی است. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری به منظور برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران (نمونه‌گیری از جامعه نامحدود) استفاده شد که تعداد حجم مورد نیاز برابر ۳۸۴ نفر تعیین گردید. داده‌های جمع آوری شده از طریق نرم افزار SPSS و Smart-PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد که سواد مالی و نگرش مالی افراد بر خود کارآمدی مالی افراد تأثیر مثبت دارد و همچنین خود کارآمدی مالی افراد و نگرش مالی بر ظرفیت مالی افراد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

کلمات کلیدی: نگرش مالی، دانش مالی، ظرفیت مالی، خود کارآمدی مالی، مشتریان بانک ملت

طبقه بندی JEL: G21, D03, G39, G31, I22

^۱ دانشیار گروه مدیریت منابع انسانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hajieh_rajabi@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

mahdi.ramezan86@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس mina.abdi.sh@gmail.com

مقدمه

سرمایه‌گذاری یکی از عوامل مهم توسعه در قرن حاضر است که با جذب سرمایه‌های مردم از طریق بازارهای سرمایه به هدایت آنها به بخش‌های مولد اقتصادی می‌انجامد. بازارهای سرمایه بازارهای پیچیده‌ای هستند که اساس آنها مبتنی بر تصمیم‌گیری است و قطعاً افراد تصمیم‌گیرنده باید از اطلاعات خوبی برخوردار بوده و آموزش‌های لازم را دیده باشند. وقتی افراد آگاهی مالی و تجربه کافی در این زمینه ندارند چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ تنش‌های مالی؛ فشارهای اجتماعی و روان‌شناختی زیادی بر زندگی فردی و خانوادگی وارد می‌آورند. سواد مالی و برنامه‌ریزی مسائل مالی خانواده؛ یک استراتژی بازدارنده عمومی است که می‌تواند به کاهش این فشارها کمک کرده و رفاه خانواده را افزایش دهد (میندرا و مویا، ۲۰۱۷).

سواد مالی دربرگیرنده مفاهیمی نظیر آگاهی مالی، مهارت‌های مالی، دانش و علم درخصوص محصولات و مؤسسات مالی است که البته این مفاهیم در عمل بعضاً با هم هم‌پوشانی دارند (سیورماکریشن و همکاران، ۲۰۱۷). مسائل تهدیدکننده اقتصاد خانواده مثل از دست دادن شغل، طلاق یا از کارافتادگی می‌تواند منجر به تنش‌های اقتصادی شود. نتایج رفاه اقتصادی ضعیف، که تا حدی حاصل آگاهی مالی شخصی ضعیف است، می‌تواند باعث نارضایتی و آسیب بیشتر به مردان، زنان، والدین و کودکان شود. پیامدهای مشکلات مزمن مالی در بسیاری از حوزه‌های زندگی خانوادگی بروز پیدا می‌کنند. بدین ترتیب، باتوجه به شرایط موجود در کشور و حرکت به سمت خصوصی‌سازی؛ داشتن سواد مالی یک مبنای ضروری برای پیشگیری و حل مسائل مالی است و به نوبه خود برای داشتن زندگی موفقیت‌آمیز، سالم و شاد حیاتی است (لوساردی و میتچل، ۲۰۱۱). یکی از اهداف بسیار مهم کشور تا سال ۱۴۰۴ (طبق سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴) دست یافتن جمهوری اسلامی ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه است. براساس این سند، ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه‌یافته در منطقه با متوسط نرخ رشد اقتصادی هشت درصد هدف‌گذاری شده است. در این راستا می‌توان بیان داشت که سیستم مالی کشور از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بیشتر شواهد در اقتصاد امروز، بر اهمیت توسعه مالی متمرکز است (راه‌نشین، ۱۳۹۱). از سوی دیگر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛ ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب به این مهم تأکید دارد (رحیمی کلور و حمزه‌ای، ۱۳۹۸). اما ناتوانی افراد در دسترسی به خدمات مالی رسمی به‌عنوان یک مانع کلیدی در اقتصادهای در حال توسعه به شمار می‌آید (دمیرگاک-کانت و کلاپر، ۲۰۱۲). تحت چنین مفهومی، اصطلاح ظرفیت مالی مطرح گردیده است که درواقع توسعه هدفمند برای دسترسی و استفاده از محصولات و خدمات مالی تعریف شده است که شامل پس‌انداز، اعتبار، بیمه، پرداخت و انتقال وجه و ... است (میندرا و مویا، ۲۰۱۷).

اصل اساسی اقتصاد افزایش ظرفیت مالی است تا از این طریق اطمینان حاصل شود که گروه‌های محروم از این خدمات به‌عنوان بخشی از سیستم بانکداری رسمی با ارائه خدماتی هستند با ارائه روش‌های کارا و امن جهت برخی از عملیات های بانکی (بوو، ۲۰۱۳). افزایش ظرفیت مالی همچنین به این موضوع کمک می‌کند که از ایجاد بازارهای مالی غیررسمی انتفاعی جلوگیری می‌شود (یاداو و شرما، ۲۰۱۶). عوامل مختلفی می‌تواند بر روی ایجاد و افزایش ظرفیت مالی تأثیرگذار باشد. برخی از این متغیرها عبارت‌اند از: سواد مالی، نگرش مالی و متغیر خودکارآمدی مالی.

یکی از متغیرهایی که می‌تواند بر روی ظرفیت مالی مؤثر باشد، سواد مالی است. درواقع سواد مالی دربرگیرنده مفاهیمی نظیر آگاهی مالی، مهارت‌های مالی، دانش و علم درخصوص محصولات و مؤسسات مالی است که البته این مفاهیم در عمل بعضاً با هم هم‌پوشانی دارند (سیورماکریشان و همکاران، ۲۰۱۷).

سواد مالی در سطح جامعه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. سال ۲۰۰۸ در تاریخ اقتصادی جهان سال بازگشت بحران اقتصادی و رکود اقتصادی شدید در آمریکا و اروپا، رشد اقتصاد جهانی را تحت‌الشعاع خود قرار داد (الهی و نامداری، ۱۳۹۴). مهم‌ترین دلیلی که در این سال همزمان با اوج‌گیری بحران‌های مالی اروپا، افراد بسیاری را با کوهی از ضرر روبرو نمود، پایین بودن سطح سواد مالی مردم بود. در چنین شرایطی دولت آمریکا در حوزه سواد مالی هیأتی را با نام مشاور مالی رئیس‌جمهور تشکیل داد تا دو هدف افزایش سواد مالی و همچنین دسترسی به خدمات مالی را در جامعه آمریکا افزایش دهد (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، ۱۳۹۴).

در ایران نیز ثمرات این بی‌توجهی در عملکرد غلط مردم در تشدید بحران ارزی سال ۱۳۹۱، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و نابه‌سامانی برخی بازارهای دیگر مشهود بود. متأسفانه در کشور ما علی‌رغم وجود مشکلات متعدد اقتصادی و مالی، این حوزه مورد بی‌توجهی قرار گرفته و هیچ استراتژی خاصی برای ارتقاء سواد اقتصادی و مالی طراحی نشده است. نتیجه چنین وضعی بر رشد و پیشرفت اقتصادی کشور معلوم است؛ چرا که فرد لاجرم در مقام یک عضو خانواده، نیروی کار، شهروند، مسئول در عرصه اجتماعی، مصرف‌کننده، تولیدکننده کالا و خدمات، پس‌اندازکننده و سرمایه‌گذار و در بستری از انواع شاکله‌های جمعی و فردی مانند فرهنگ کار، فرهنگ مصرف، فرهنگ اتخاذ تصمیم‌های بهینه، فرهنگ هزینه - فایده، فرهنگ استفاده بهینه و کارا از منابع، فرهنگ بهره‌وری، فرهنگ تعامل با محیط انسانی و فیزیکی اطراف از جمله محیط زیست و ده‌ها بستر فرهنگی دیگر قرار می‌گیرد و برآیند رفتارهای جمعی در چنین فضایی است که موجبات رشد یا انحطاط ملتی را فراهم می‌آورد (پیغامی و مرادی باصیری، ۱۳۹۵).

یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند بر روی ظرفیت مالی مؤثر باشد، نگرش مالی است. نگرش مستلزم قضاوت فرد در مورد این است که آیا رفتار یا نتیجه مورد نظر خوب است یا نه یا اینکه آیا به نفع فردی است یا برعلیه فردی. محققان نظری و نظریه‌پردازانی نظیر آرمیتاژ و کونر (۲۰۰۱) معتقدند که نگرش افراد براساس جنبه‌های شناختی و ارزیابی اطلاعاتی را براساس خروجی‌های پیش‌بینی‌شده ارائه می‌دهد. بنابراین نگرش افراد می‌تواند باعث ارتقاء یا تنزل ظرفیت مالی شود (میندرا و مویا، ۲۰۱۷).

خودکارآمدی متغیری میانجی در این تحقیق است، خودکارآمدی مالی درواقع نشان‌دهنده اعتماد فرد نسبت به توانایی خود در موقعیت‌های مختلف مالی است (میندرا و مویا، ۲۰۱۷). خودکارآمدی با تئوری شناختی اجتماعی در ارتباط است و این تئوری نقش تفکر شناختی در هدایت انگیزش افراد و رفتار مالی را توضیح می‌دهد. خودکارآمدی در مطالعات مختلف به‌عنوان یک متغیر میانجی مطرح است که به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده و عامل تغییر رفتار مورد مطالعه قرار گرفته است (سهگال و همکاران، ۲۰۱۷).

در بسیاری از کشورهای رو به توسعه مانند ایران، نظام مالی در سطح وسیع نیازهای همه مشتریان را برآورده نمی‌کند. نظام های بانکی و بازارهای سرمایه‌ای اغلب به‌سمت کسانی می‌روند که وضع بهتری دارند، اغلب شرکت و بخش خانواده از عدم دسترسی به خدمات مالی، به تعویق افتادن رشد و رفاهشان در رنج هستند (راه نشین، ۱۳۹۱) و این عقب‌ماندگی‌ها از محرومیت در قابلیت‌هایی نظیر سواد، آموزش و مهارت‌های فردی نشأت گرفته است (یوسفی شیخ رباط، موسوی مقدم، ۱۳۹۸).

از طرفی دیگر، در سال های اخیر، کشورها و اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور توجه زیادی به سطح سواد مالی مردم‌شان کرده‌اند. باتوجه به اینکه کشور ایران که حرکت در مسیر خصوصی‌سازی اقتصادی (اصل ۴۴ قانون اساسی) را در پیش گرفته است، شدیداً نیازمند بسترسازی‌های مناسب برای اجرای موفق خصوصی‌سازی است. یکی از این بسترسازی‌ها، افزایش سطح دانش و آگاهی عموم جامعه درخصوص مسائل مالی است (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، ۱۳۹۴). فقدان سواد مالی، به تصمیمات مالی بیمارگونه کمک می‌کند و این تصمیمات به نوبه خود تأثیر زیادی بر تشدیدشدن بحران‌ها دارد. لذا در حال حاضر سواد مالی به‌عنوان یکی از عوامل مهم ثبات و توسعه اقتصادی و مالی در سراسر جهان شناخته می‌شود (طلغیانی و مرادی باصیری، ۱۳۹۵). بنابراین ضرورت دارد که در مورد سطح سواد و دانش مالی افراد جامعه مطالعات بیشتری صورت پذیرد. به‌منظور بررسی تأثیر نگرش مالی و دانش مالی بر ظرفیت مالی افراد با نقش میانجی خودکارآمدی مالی ابتدا به

بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته و پس از ارائه روش‌شناسی پژوهش در ادامه با طرح یافته‌های تحقیق به بحث و نتیجه‌گیری در خصوص موضوع پژوهش می‌پردازیم.

۱. مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۱-۱. نگرش مالی

پول یکی از عناصر مهم زندگی روزانه افراد را تشکیل می‌دهد. درواقع پول بر تصمیمات خرید افراد و همچنین انگیزه‌های آنان تأثیر می‌گذارد. اقتصاددانان معمولاً افراد را به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان عقلایی و منطقی در نظر می‌گیرند. بنابراین افراد همواره در جستجوی راهی برای افزایش ثروت و سودمندی‌های معمولی از پول هستند (فین، ۱۹۹۲). از طرفی افراد به‌دنبال اهداف دیگری از جمله کسب قدرت و لذت از زندگی هستند که این خواسته‌ها در کنار خواسته‌های معمول (افزایش ثروت و سودمندی‌های معمول آن) پول قرار می‌گیرند، این عوامل در نحوه نگرش افراد به پول و رفتارهای مربوط به پول تأثیر می‌گذارند. اسناد و مدارک موجود درباره‌ی نگرش به پول نشان‌دهنده‌ی ساختار چندبعدی این مفهوم است و برای هر کدام از افراد یکی از این ابعاد می‌تواند از درجه اهمیت بالایی برخوردار باشد. مقیاس‌های متفاوتی برای ارزیابی و اندازه‌گیری نگرش افراد به پول وجود دارد که از جمله‌ی این مقیاس‌ها، مقیاس یاموچی و تمپلر^۱ (۱۹۸۲) است که ما در این مطالعه ترکیبی از این مقیاس و مقیاس فونتنتات و گرشام^۲ (۱۹۸۹) را استفاده خواهیم کرد که دارای ابعاد زیر است:

- قدرت - اعتبار (یاموچی و تمپلر)
- زمان نگهداری (یاموچی و تمپلر)
- کیفیت (فونتنتات و گرشام)

^۱ Yamauchi & templer

^۲ Gresham & Fontenor

۱-۱-۱. قدرت-اعتبار

این بعد نشان‌دهنده‌ی این است که اشخاص معتقدند که پول به‌عنوان نمادی از موفقیت است. افرادی که چنین اعتقادی دارند پول را به‌عنوان وسیله‌ای برای تحت تأثیر قراردادن دیگران و اثبات قابلیت‌های خود می‌دانند (یاموچی و تمپلر، ۱۹۸۲).

۱-۱-۲. زمان‌نگهداری پول

این بعد بیانگر این است که اشخاص پول را به‌عنوان وسیله‌ای برای برنامه‌ریزی و آمادگی برای آینده در نظر می‌گیرند. افرادی که چنین نگرشی نسبت به پول دارند علاقه‌مند به برنامه‌ریزی‌های مالی و ذخیره‌کردن پول خود برای آینده هستند (یاموچی و تمپلر، ۱۹۸۲).

۱-۱-۳. کیفیت

این نگرش بیانگر این است که پول برای دستیابی به محصولات با کیفیت بالا مورد نیاز است، افرادی که چنین اعتقادی دارند علاقه‌مند به خرید محصولات با کیفیت بالا هستند بدون اینکه به قیمت بالای آن توجهی داشته باشند (فونتنتا و گرشام، ۱۹۸۹).

۲-۱. دانش مالی

در جوامع توسعه‌یافته در مقایسه با جوامع دیگر، درصد بیشتری از مردم با واژه‌هایی نظیر پول، اوراق بهادار، صکوک و مواردی از این دست، آشنایی دارند. در کشورهای کم‌درآمد، توسعه‌یافتگی مالی خیلی محدودتر اتفاق می‌افتد و محصولات تخصصی و پیشرفته وجود ندارد و اگر هم وجود دارد درصد بسیار کمی از مردم توانایی و دانش کافی برای استفاده از آنها را دارند (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، ۱۳۹۴). درواقع می‌توان بیان نمود که به‌دلیل پیچیدگی‌های موجود در صنعت مالی این الزام وجود دارد که مشتریان برای تصمیم‌گیری و انتخاب فعال‌تر باشند (لوساردی و میتچل، ۲۰۱۱). سواد مالی برای افراد می‌تواند بسیار سودمند باشد چرا که می‌توانند با دانش و مهارتی که در این حوزه دارند، محصولات مالی از مؤسسات مختلف را ارزیابی و تصمیم‌گیری کنند که آن با توجه به وضعیتش، مناسب هست یا خیر (میندرا و مویا، ۲۰۱۷). بنابراین سواد مالی می‌تواند افراد را در دستیابی و ارتقاء ظرفیت مالی کمک نماید.

در دهه گذشته کشورهای بسیاری جهت بهبود رفاه مالی شهروندان، استراتژی‌های دانش مالی را اجرا می‌کنند. اکثر این استراتژی‌ها از طریق طرح‌های آموزش مالی به‌دنبال ارتقاء دانش مالی افراد هستند (هیرا، ۲۰۱۰).

۳-۱. ظرفیت مالی

ظرفیت مالی در دو مقوله مورد بررسی قرار می‌گیرد:

(۱) **توانایی برای پرداخت:** توانایی برای پرداخت در مقوله ظرفیت مالی عبارت است از توانایی اشخاص و بنگاه‌ها در منطقه‌ای خاص برای پرداخت مالیات. تحت این مفهوم اصطلاح بار مالیاتی قابل ذکر است.

(۲) **توانایی برای جمع‌آوری:** اسنا، مارتینز و سکوئز و بواکس (۱۹۹۷) ظرفیت مالی را در حوزه‌ی توانایی برای جمع‌آوری به صورت ذیل تعریف کرده‌اند که عبارت است از: توانایی دولت در منطقه و یا شهر (شهرداری‌ها) در جهت افزایش درآمدها. این درآمدها به منظور فراهم نمودن وجوه مورد نیاز برای سبد کالا و خدمات به کار گرفته می‌شود. تحت این مفهوم اصطلاح تلاش مالیاتی مورد بحث واقع می‌شود (عباسیان و فشی، ۱۳۹۴).

ظرفیت مالی درواقع توسعه هدفمند برای دسترسی و استفاده از محصولات و خدمات مالی تعریف شده است که شامل پس‌انداز، اعتبار، بیمه، پرداخت و انتقال وجه و... است (میندرا و مویا، ۲۰۱۷).

ماسارا و میالو (۲۰۱۴) معتقدند که مفهوم ظرفیت مالی از طریق سه بعدش پیشرفت می‌کند: دسترسی، استفاده و کیفیت خدمات مالی

براین اساس، هانینگ و جانسن (۲۰۱۰)، سراو و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند که اندازه‌گیری ظرفیت مالی باید بتواند سطوح ظرفیت مالی را نظارت کند؛ در مرحله دوم، درک عمیق‌تر در مورد عوامل مرتبط با ظرفیت مالی را که امکان آزمون فرضیه‌های بین ظرفیت مالی و متغیرهای دیگر را فراهم می‌کند، داشته باشد. این مطالعات استدلال می‌کند که ظرفیت مالی اغلب از طریق سه بعد سنجیده می‌شود.

اول، ابعاد دسترسی که فیزیکی و گستردگی خدمات مالی و توانایی افراد برای استفاده از محصولات و خدمات موجود در یک نقطه خدمات را اندازه‌گیری می‌کند. آنها بیشتر اظهار می‌کنند که کمبود نقاط خدمات مالی در مناطق روستایی نسبت به مکان‌های شهری غالب است؛ دوم، ابعاد کاربردی است که توانایی یک فرد را برای به دست آوردن هدف و کاربرد دائمی از یک محصول یا خدمات مالی خاص را اندازه‌گیری می‌کند؛

سوم، ابعاد کیفی است که میزان اهمیت محصولات یا خدمات مالی در نیازهای روزانه مصرف‌کننده مالی (مشتریان مالی) را اندازه‌گیری می‌کند (میندرا و مویا، ۲۰۱۷).

۴-۱. خودکارآمدی مالی

خودکارآمدی یکی از مفاهیم پرکاربرد در تحقیقات علوم انسانی است که نخستین بار به وسیله باندورا معرفی شده است. مفهوم خودکارآمدی یکی از ابعاد خویشتن است که توانایی ادراک شده افراد یا قضاوت افراد درباره توانایی هایشان در انجام یک وظیفه یا انطباق با یک موقعیت خاص است. به عبارتی دیگر باورهای خودکارآمدی میزان اطمینانی است که هر فرد به توانایی خود در زمینه اجرای یک رشته امور یا انجام یک تکلیف خاص ابراز می نماید. در طول دو دهه ی گذشته خودکارآمدی به عنوان یک رفتار انگیزشی مهم در پژوهش رفتار انسان نمایان شده است و این گونه دریافت شده که درجات عالی خودکارآمدی به سطوح افزایش یافته عملکرد در شماری از تکالیف منجر می شود. لذا این متغیر مورد توجه بسیاری از صاحب نظران مدیریتی و روانشناسی است (مهاجران و همکاران، ۱۳۹۶).

خودکارآمدی مالی درواقع نشان دهنده اعتماد فرد نسبت به توانایی خود در موقعیت های مختلف مالی است (میندرا و مویا، ۲۰۱۷).

شواهد تجربی نشان می دهد که یکی از عواملی که بر رفتار مالی تأثیر می گذارد، خودکارآمدی است که به عنوان سطح اطمینان در توانایی یک فرد برای مقابله با یک وضعیت مالی بدون اینکه غرق شود، توصیف می شود (فوربس و کارا، ۲۰۱۰).

خودکارآمدی مالی توسط نظریه شناختی اجتماعی بیان شده که نقش تفکر شناختی در هدایت انگیزه و رفتار مالی افراد را بررسی می کند (ساندلر، ۲۰۰۰). سازه خودکارآمدی مالی با تئوری شناختی اجتماعی مطابقت دارد که ادعا می کند که خودکارآمدی دارای قدرت پیش بینی کننده بیشتر است، زمانی که آن را به حوزه خاص اختصاص می دهد و بر کارهای فردی یا انتخاب های فردی تأثیر می گذارد و همچنین به طور غیرمستقیم برای تحقق نتایج مثبت که افراد معمولاً پیش بینی می کنند. (بندورا، ۲۰۰۵). علاوه بر این، رویکرد "یکی از اقدامات متناسب با آن همه" معمولاً ارزش توضیحی و پیش بینی محدودی را دارد، زیرا بیشتر موارد در یک آزمون کلی ممکن است به کارکرد دامنه کمی یا هیچ ارتباطی نداشته باشد (بندورا، ۲۰۰۵).

بنابراین، خودکارآمدی که در چارچوب حوزه مالی قرار دارد، به عنوان ساختار خودکارآمدی مالی پیشنهاد می شود که در نتیجه برای اثبات تأثیر آن در دانش مالی بررسی می شود. در راستای این، خودکارآمدی در بعضی از مطالعات به عنوان متغیر واسطه شناخته شده است و به عنوان یک پیش بینی کننده سازگارتر از رفتار و تغییر رفتار شناخته شده است (بیلی و آستین، ۲۰۰۶).

لازم است توجه داشته باشید که مطالعات اندکی نقش واسطه ای از خودکارآمدی را در زمینه امور مالی، به ویژه دانش مالی، مورد بررسی قرار داده اند. یافته های تجربی در طول سال ها،

استدلال‌های باندورا را پشتیبانی می‌کنند که اعتقادات خودمؤثر، درواقع، ارتباط بین متغیرهای مختلف و دستیابی به عملکرد در حوزه‌های خاص را می‌دهند. برای مثال حجازی و همکاران (۱۳۸۶) دریافتند که خودکارآمدی در حوزه‌های مجزا غیرمستقیم نقش مهمی در روند تعامل شناختی ایفا می‌کند تا بیشتر درک شود.

بنابراین، خودکارآمدی یک خصیصه پویایی است که افراد ممکن است در زمینه‌های مختلف داشته باشند و بنابراین می‌توانند با رفتار خاص فردی، رخدادهای بیولوژیکی و محیطی که در آن تعامل دارند، تغییر کند (ساجکوتیو و لوتانس^۱، ۱۹۹۸). درحال حاضر، بحث مفصلی درباره خودکارآمدی مالی تقریباً وجود ندارد، باتوجه به این واقعیت است که در زمینه‌های دیگر، خود کارآیی پیدا شده است.

۵-۱. پیشینه پژوهش

مرادی (۱۳۹۶) تحقیقی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر روان‌شناسی مالی و رفتار مالی» انجام داده است. در این مقاله ابتدا تئوری‌های روانشناسی حاکم بر حسابداری رفتاری توضیح داده شده، سپس عوامل رفتاری تأثیرگذار بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و خطاهای ادراکی افراد توضیح داده می‌شود. در این مقاله تئوری‌های روانشناسی حاکم بر حسابداری رفتاری توضیح داده شد و سپس عوامل رفتاری تأثیرگذار بر تصمیمات سرمایه‌گذاران شرح داده شد. قالمق و همکاران (۱۳۹۵)، تحقیقی تحت عنوان «تأثیر سواد مالی بر تورش‌های رفتاری سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران» انجام داده‌اند که به بررسی رابطه بین میزان سواد مالی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران و تورش‌های رفتاری آنها می‌پردازد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که بین میزان سواد مالی سرمایه‌گذاران و تورش‌های رفتاری آنها رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد. ضیایی‌پور و میلادیان (۱۳۹۵) تحقیقی تحت عنوان «تأثیر سواد مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران» انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سواد مالی بر سوگیری‌های رفتاری فراعتمادی در پیش‌بینی، دگرگون‌گریزی و زیان‌گریزی تأثیر مثبت و مستقیم و بر سوگیری‌های نماگری قصور اندازه نمونه، حساس‌انگاری و کوتاه‌نگری تأثیر منفی و معکوس دارد و در بقیه موارد رابطه معناداری مشاهده نشده است. فرج‌زاده دهکردی و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی تحت عنوان «تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ظرفیت تأمین مالی» هدف این پژوهش، تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین ظرفیت تأمین مالی است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل رگرسیون مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

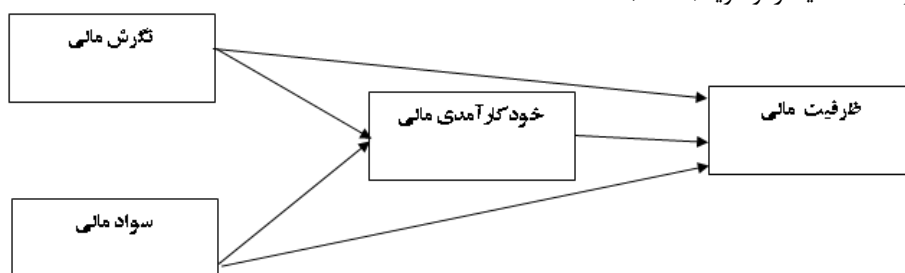
¹ Stajkovic and Luthans

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین کیفیت گزارشگری و تأمین مالی وجود دارد به‌طوری‌که شرکت‌هایی که از کیفیت بالای گزارشگری مالی برخوردار هستند تأمین مالی آنها کمتر تحت تأثیر تغییرات در قیمت ملک و املاک قرار می‌گیرد. همچنین افزایش کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش حساسیت انجام تأمین مالی بر ظرفیت تأمین مالی شرکت است. مودنی و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی تحت عنوان «بررسی سطح سواد مالی و ابعاد آن (دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی)» انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای جمعیت شناختی در بین دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه‌های شهر اصفهان (سن، تأهل، وضعیت شغلی، حوزه شغلی، تعداد افراد تحت تکفل، رشته تحصیلی) به جز جنسیت و دانشگاه محل تحصیل بر سطح سواد مالی جامعه مورد آزمون مؤثر است و سطح سواد مالی و ابعاد آن بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، غیرانتفاعی، پیام نور و آزاد تفاوت ندارد. میندرا و مویا (۲۰۱۷) تحقیقی تحت عنوان «خودکارآمدی مالی: یک عامل تعیین‌کننده ظرفیت مالی» انجام داده‌اند. هدف از پژوهش بررسی تأثیر خودکارآمدی مالی بر ظرفیت مالی افراد در اوگاندا بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که (۱) خودکارآمدی مالی بر روی ظرفیت مالی افراد تأثیر معناداری دارد؛ (۲) ابعاد ظرفیت مالی (دسترسی، استفاده و کیفیت) با یکدیگر ارتباط معناداری دارند. لین و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی تحت عنوان «تأثیر سواد مالی، مشاوران مالی و منابع اطلاعاتی بر تقاضا برای بیمه عمر» انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که (۱) برای افراد با سواد مالی بالا احتمال خرید بیمه عمر بیشتر است و مشاوره با مشاوران مالی و گفتگو با اعضای خانواده و دوستان هردو به‌طور مثبت با تقاضا برای بیمه عمر همراه است؛ (۲) مشخصات زمینه‌ای، مانند سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت کار و درآمد شخصی عوامل اصلی مؤثر بر تقاضا برای بیمه عمر هستند. بونگومین و همکاران (۲۰۱۶) تحقیقی تحت عنوان «سرمایه اجتماعی: میانجی در بین سواد مالی و ظرفیت مالی در روستای اوگاندا» انجام داده‌اند. هدف این پژوهش، بررسی نقش میانجی‌گری سرمایه اجتماعی در ارتباط بین سواد مالی و ظرفیت مالی در روستای اوگاندا است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که (۱) نقش میانجی سرمایه اجتماعی در ارتباط بین سواد مالی و ظرفیت مالی مورد تأیید است؛ (۲) سواد مالی بر روی ظرفیت مالی تأثیر مستقیم و معناداری ندارد بلکه از طریق میانجی‌گری کامل سرمایه اجتماعی، سواد مالی بر روی ظرفیت مالی تأثیر معناداری دارد؛ (۳) همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با عدم وجود سرمایه اجتماعی، سواد مالی ممکن است نتواند سطح ظرفیت مالی خانواده‌های فقیر روستایی در اوگاندا را افزایش دهد. اسپرسبرگ (۲۰۱۳) تحقیقی تحت عنوان «سواد مالی و رفتار مالی در میان جوانان: شواهد و پیامدها» انجام داده‌اند. این مقاله از داده‌های مطالعات ملی مالی سال ۲۰۰۹ برای بررسی سواد مالی و رفتار مالی در نمونه‌ای از حدود ۴۵۰۰ جوان بین ۲۵ تا ۳۴ سال استفاده

می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان که سواد مالی بالاتری دارند یا اعتماد بیشتری به ریاضیات و دانش مالی خود دارند، نتایج مالی بالاتری دارند: آنها احتمالاً کمتر از روش‌های وام استفاده می‌کنند و احتمال بیشتری برای برنامه‌ریزی برای بازنشستگی دارند و یا صرفه‌جویی در وقت خود را انجام می‌دهند.

۲. چارچوب نظری مدل مفهومی

چارچوبی که در این تحقیق مدنظر قرار گرفته است مبتنی بر تأثیرگذاری دانش مالی و نگرش مالی بر ظرفیت مالی است با در نظر گرفتن نقش میانجی خودکارآمدی مالی. چارچوب این تحقیق برگرفته از مطالعه میندرا و مویا (۲۰۱۷) است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

منبع: (میندرا و مویا (۲۰۱۷))

۳. فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مباحث و ادبیات ذکرشده، همان‌طور که بیان شد، این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر نگرش مالی و دانش مالی بر ظرفیت مالی افراد با در نظر گرفتن نقش خودکارآمدی مالی مشتریان بانک ملت هست. بر همین اساس، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: نگرش مالی افراد بر خودکارآمدی مالی افراد تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: نگرش مالی افراد بر ظرفیت مالی افراد تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: سواد مالی افراد بر خودکارآمدی مالی افراد تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: سواد مالی افراد بر ظرفیت مالی افراد تأثیر معناداری دارد.

فرضیه پنجم: خودکارآمدی مالی افراد بر ظرفیت مالی افراد تأثیر معناداری دارد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار گرفته و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی است. جامعه مورد بررسی در این تحقیق شامل مشتریان شعب سرپرستی بانک ملت مناطق شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز تهران است. روش نمونه‌گیری که در این تحقیق استفاده شد نمونه‌گیری تصادفی است. باتوجه به نامحدود بودن جامعه آماری به‌منظور برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران (نمونه‌گیری از جامعه نامحدود) استفاده شد. باتوجه به سطح اطمینان ۹۵ درصد و با پذیرش خطای ۵ درصد، تعداد حجم مورد نیاز برابر ۳۸۴ نفر است. به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز از پرسش‌نامه‌های ظرفیت مالی براساس گزارش توسعه مالی بانک جهانی (۲۰۱۴)، نگرش مالی آرمیتاژ و کانر (۲۰۰۱)، خودکارآمدی مالی آماتوچی و کراولی (۲۰۱۱)؛ روولی و همکاران (۲۰۱۲) و سواد مالی هاستون (۲۰۱۰)؛ آتکینسون و مسی (۲۰۱۲) استفاده شده است. روایی ابزار از طریق محتوا مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن به‌وسیله آلفای کرونباخ محاسبه و در جدول (۱) نشان داده شده است. براساس مقادیر به‌دست‌آمده، تمامی نتایج از ۰/۷ بالاتر بوده که مناسب بودن پایایی ابزار را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضرائب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های پژوهش

ردیف	متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
۱	ظرفیت مالی	۰/۷۳۴
۲	نگرش مالی	۰/۷۴۷
۳	خودکارآمدی مالی	۰/۷۵۳
۴	سواد مالی	۰/۸۶۷

منبع: یافته‌های تحقیق

داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری نرم‌افزار Smart-PLS و نرم‌افزار SPSS¹⁹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۵. بررسی مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

۵-۱. آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

ابتدا جهت بررسی ادعای مطرح‌شده درباره توزیع داده‌های متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K.S) استفاده می‌کنیم.

جدول ۲. آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

ظرفیت مالی	نگرش مالی	خودکارآمدی مالی	سواد مالی	
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	
آماره K.S	0.067	0.087	0.072	0.105
sig	.000c	.000c	.000c	.000c
نتیجه	غیر نرمال	غیر نرمال	غیر نرمال	غیر نرمال

منبع: یافته‌های تحقیق

باتوجه به جدول (۲) فرض صفر (نرمال بودن داده‌ها) رد می‌گردد. پس متغیرها دارای توزیع غیرنرمال هستند.

۵-۲. تحلیل عاملی تأییدی

نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد تمام مدل‌های سنجش و اندازه‌گیری همه اعداد و پارامترهای مدل مناسب و معنادارند. باتوجه به اینکه همه بارهای عاملی در تمام ابعاد بیشتر از ۰,۴ است و میانگین واریانس‌های استخراجی هم بیشتر از ۰/۵ به دست آمده است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که میان سازه‌ها روایی همگرا وجود دارد.

۵-۳. همبستگی متغیرهای تحقیق (اسپیرمن)

وجود رابطه همبستگی بین دو متغیری که قصد بررسی نحوه تأثیرگذاری آنها را داریم شرط لازم است. جدول (۳) ضرایب همبستگی اسپیرمن را درخصوص رابطه همبستگی بین دو متغیری متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی اسپیرمن

ظرفیت مالی	سواد مالی	نگرش مالی	خودکارآمدی مالی	
			1.000	خودکارآمدی مالی
		1.000	0.905	نگرش مالی
	1.000	0.821	0.960	سواد مالی
1.000	0.869	0.940	0.930	ظرفیت مالی
1.000	0.869	0.940	0.930	ظرفیت مالی

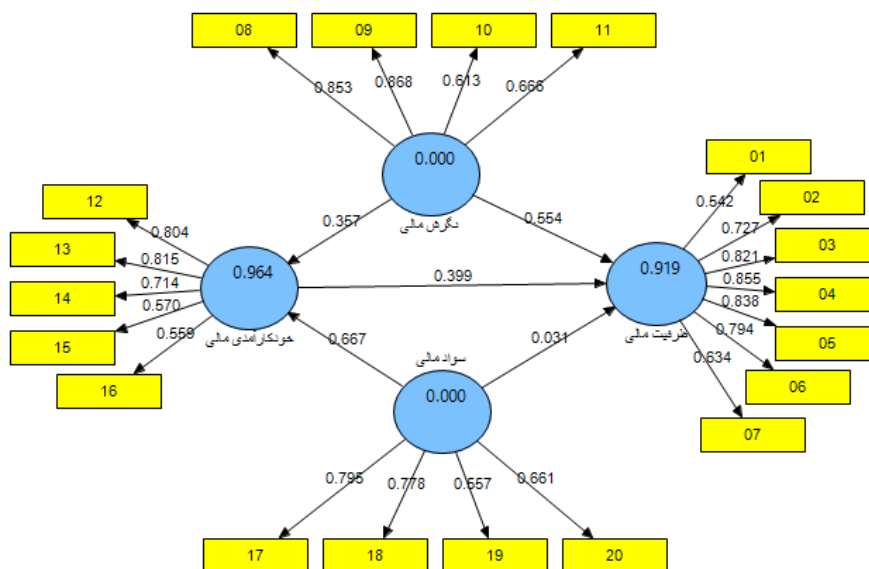
منبع: یافته‌های تحقیق

براساس اطلاعات جدول (۳) تمامی ضرایب همبستگی در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار هستند (مقدار سطح معناداری کمتر از ۱ درصد است). ضریب مثبت نشان‌دهنده رابطه‌ی مثبت و مستقیم و ضریب منفی نشان‌دهنده رابطه‌ی منفی و معکوس بین دو متغیر است.

۴-۵. مدل‌یابی معادلات ساختاری

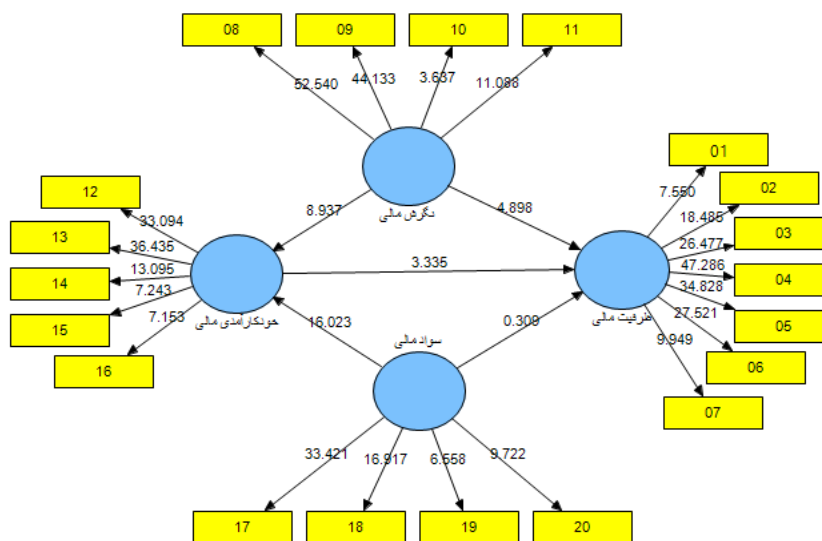
الف) اجرای مدل ساختاری

شکل (۲) نشان‌دهنده اجرای مدل ساختاری تحقیق است. از این مدل به‌منظور آزمون فرضیات تحقیق به‌کار می‌رود. همان‌طور که نشان داده شده است. بارهای عاملی گزارش شده بالاتر از ۰,۴ است.



شکل ۲. مدل نظری تحقیق (ضرایب استاندارد)

منبع: یافته‌های تحقیق



شکل ۳. مدل نظری تحقیق (ضرایب معنی داری)

منبع: یافته‌های تحقیق

شکل (۳) ضرایب معنی‌داری مربوط به بارهای عاملی و ضرایب مسیر را نشان می‌دهد. براساس پایایی شاخص مقادیر بار عاملی باید از ۰,۴۰ بزرگتر و در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار باشد. همان‌طور که اشکال بالا نشان می‌دهد همه بارهای عاملی بالاتر از ۰,۴۰ است و همچنین حداقل در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد معنی‌دار هستند.

ب) برازش مدل‌های اندازه‌گیری

معیارهای برازش مدل اندازه‌گیری مدل ساختاری در جدول (۴) به‌طور خلاصه آورده می‌شود.

جدول ۴. برازش مدل‌های اندازه‌گیری مدل نظری تحقیق

آلفای کرونباخ (Cronbachs Alpha)	پایایی ترکیبی (Composite Reliability)	متوسط واریانس استخراجی (AVE)	
0.734	0.825	0.492	خودکارآمدی مالی
0.747	0.841	0.575	نگرش مالی
0.753	0.794	0.496	سواد مالی
0.867	0.899	0.566	ظرفیت مالی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول فوق شاخص‌های روایی، پایایی را برای تمامی متغیرهای مکنون تحقیق نیز نشان می‌دهد. در این تحقیق پایایی مدل‌های اندازه‌گیری از سه طریق بارهای عاملی، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ سنجیده شده است. بارهای عاملی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که همه بارهای عاملی بالاتر از ۰,۴۰ است و در سطح معنی‌داری ۹۵ درصد معنی‌دار هستند. شاخص‌های پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی پرسش‌نامه استفاده می‌شوند و لازمه تأیید پایایی بالاتر بودن این شاخص‌ها از مقدار ۰/۶ است. تمامی این ضرایب بالاتر از ۰/۶ هستند و نشان از پایایی مناسب ابزار اندازه‌گیری هستند.

پ) برازش مدل ساختاری

پس از برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به بررسی مدل ساختاری یا درونی تحقیق می‌رسد. جهت بررسی برازش مدل ساختاری از شاخص ضریب تعیین (R^2 یا R Square) استفاده می‌کنیم. R^2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات

ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. نکته ضروری در اینجا این است که مقدار R^2 تنها برای متغیر درون‌زای (وابسته) مدل محاسبه می‌گردد و در مورد سازه‌های برون‌زا، مقدار این معیار صفر است. چاین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی می‌کند. مقادیر R^2 خودکارآمدی مالی (۰،۹۶۴) و ظرفیت مالی (۰،۹۱۹) نشان از برازش قوی مدل را دارد.

ج) برازش مدل کلی

برای برازش و اعتبارسنجی مدل کلی از معیار نیکویی برازش (GoF) استفاده می‌کنیم. شاخص نیکویی برازش بین صفر و یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به عدد یک نشانگر کیفیت مناسب مدل است. البته باید توجه داشت که این شاخص‌ها نشانگر توانایی مدل در پیش‌بینی متغیرهای وابسته هستند (امانی و همکاران، ۱۳۹۱). مقادیر بالاتر از ۰،۳۳ به‌عنوان برازش متوسط معرفی شده است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲).

براساس محاسبات انجام‌شده؛ شاخص نیکویی برازش برابر با ۰،۷۰۷ شد، که نشان از وضعیت خوب برازش کلی مدل دارد.

۵-۵. آزمون فرضیه‌ها

در این قسمت، فرضیه‌های این تحقیق با استفاده از نتایج بخش پیشین، مورد آزمون قرار می‌گیرند. در این قسمت می‌خواهیم این فرض را آزمون کنیم که ضرایب مسیر به‌دست‌آمده در شکل (۲) از نظر آماری معنی‌دار است یا خیر. آزمون این قسمت به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$H_0: \beta = 0$$

$$H_1: \beta \neq 0$$

به‌منظور تصمیم‌گیری در این قسمت از ضرایب معنی‌داری گزارش‌شده در شکل (۳) استفاده می‌کنیم بدین صورت که آماره به‌دست‌آمده را با عدد بحرانی مقایسه می‌کنیم. عدد بحرانی در اینجا عدد ۱،۹۶ است. بنابراین هرگاه قدر مطلق آماره آزمون بزرگتر از ۱،۹۶ قرار باشد آنگاه نتیجه می‌گیریم که آماره آزمون در ناحیه بحرانی قرار دارد و بنابراین فرضیه صفر مبنی بر اثرگذاری متغیر مستقل رد می‌شود و فرضیه مقابل در سطح معنی‌داری ۵ درصد پذیرفته می‌شود. بالعکس، اگر قدر مطلق ضریب معنی‌داری کوچکتر از ۱،۹۶ باشد، بدین معنی است که آماره آزمون در ناحیه قبول فرض صفر قرار دارد در نتیجه می‌توان در با اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر را رد نکرد. باتوجه به توضیحات بالا به بررسی فرضیات تحقیق در این بخش می‌پردازیم.

جدول ذیل خلاصه نتایج آزمون فرضیات را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه	ضریب تأثیر	آماره t (معنی‌داری)	نتیجه
فرضیه اول: نگرش مالی افراد بر خودکارآمدی مالی افراد تأثیر معناداری دارد.	۰,۳۵۷	۸,۹۳۷	تأیید
فرضیه دوم: نگرش مالی افراد بر ظرفیت مالی افراد تأثیر معناداری دارد.	۰,۵۵۴	۴,۸۹۸	تأیید
فرضیه سوم: سواد مالی افراد بر خودکارآمدی مالی افراد تأثیر معناداری دارد.	۰,۶۶۷	۱۶,۰۲۳	تأیید
فرضیه چهارم: سواد مالی افراد بر ظرفیت مالی افراد تأثیر معناداری دارد.	۰,۰۳۱	۰,۳۰۹	رد
فرضیه پنجم: خودکارآمدی مالی افراد بر ظرفیت مالی افراد تأثیر معناداری دارد.	۰,۳۹۹	۳,۳۳۵	تأیید

منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که جدول فوق نشان می‌دهد ضریب معنی‌داری (آماره t) گزارش شده برای فرضیه اول برابر ۸,۹۳۷ است. باتوجه به اینکه ضریب معنی‌داری بالاتر از ۱,۶۴۵ است، نتیجه می‌گیریم که آماره آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه اول تحقیق در سطح معنی‌داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ضریب مسیر به‌دست‌آمده برابر ۰,۳۵۷ است، که بدین معنی است، اگر نگرش مالی افراد به اندازه یک واحد افزایش یابد در نتیجه، خودکارآمدی مالی افراد به اندازه ۰,۳۵۷ واحد افزایش می‌یابد.

همچنین برای فرضیه دوم؛ ضریب معنی‌داری (آماره t) گزارش شده برابر ۴,۸۹۸ است. باتوجه به اینکه ضریب معنی‌داری بالاتر از ۱,۶۴۵ است، نتیجه می‌گیریم که آماره آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه دوم تحقیق در سطح معنی‌داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ضریب مسیر به‌دست‌آمده برابر ۰,۵۵۴ است، که بدین معنی است، اگر نگرش مالی افراد به اندازه یک واحد افزایش یابد در نتیجه، ظرفیت مالی افراد به اندازه ۰,۵۵۴ واحد افزایش می‌یابد. درخصوص فرضیه سوم ضریب معنی‌داری (آماره t) گزارش شده برابر ۱۶,۰۲۳ است. باتوجه به اینکه ضریب معنی‌داری بالاتر از ۱,۶۴۵ است، نتیجه می‌گیریم که آماره آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه سوم تحقیق در سطح معنی‌داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار

می‌گیرد. ضریب مسیر به‌دست‌آمده برابر ۰,۶۶۷ است، که بدین معنی است، اگر سواد مالی افراد به اندازه یک واحد افزایش یابد در نتیجه، خودکارآمدی مالی افراد به اندازه ۰,۶۶۷ واحد افزایش می‌یابد.

ضریب معنی‌داری (آماره t) گزارش‌شده برای فرضیه چهارم؛ برابر ۰,۳۰۹ است. باتوجه به اینکه ضریب معنی‌داری کمتر از ۱,۶۴۵ است، نتیجه می‌گیریم که آماره آزمون در ناحیه اطمینان قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه چهارم تحقیق در سطح معنی‌داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

در نهایت ضریب معنی‌داری (آماره t) گزارش‌شده برای فرضیه پنجم برابر ۳,۳۳۵ است. باتوجه به اینکه ضریب معنی‌داری بالاتر از ۱,۶۴۵ است، نتیجه می‌گیریم که آماره آزمون در ناحیه بحرانی قرار گرفته است و در نتیجه فرضیه پنجم تحقیق در سطح معنی‌داری ۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ضریب مسیر به‌دست‌آمده برابر ۰,۳۹۹ است، که بدین معنی است، اگر خودکارآمدی مالی افراد به اندازه یک واحد افزایش یابد در نتیجه، ظرفیت مالی افراد به اندازه ۰,۳۹۹ واحد افزایش می‌یابد.

۶. نتیجه‌گیری

بسیاری از مطالعات پیشین بیانگر هم‌بستگی بین نگرش و قصد استفاده کاربر است. به‌عنوان مثال در تئوری مبتنی بر استدلال، رفتار فرد متأثر از قصد و تمایلات فرد است. همچنین قصد و تمایلات فرد متأثر از نگرش فرد است. درواقع نگرش کاربر به‌عنوان احساس کاربر در مورد انجام یک رفتار خاص تعریف می‌شود و عمدتاً این ارزیابی توسط باورهای کاربر صورت می‌گیرد. براساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در سطح معنی‌دار ۵ درصد نگرش مالی افراد بر خودکارآمدی مالی افراد تأثیر معناداری دارد که این نتیجه با نتایج پژوهش مودنی (۱۳۹۴) و میندرا و مویا (۲۰۱۷) هم‌راستا و هم‌جهت است.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نگرش مالی افراد در سطح معنی‌داری ۵ درصد بر ظرفیت مالی افراد تأثیر معنی‌داری دارد که با نتایج پژوهش مودنی و همکاران (۱۳۹۴)، میندرا و مویا، (۲۰۱۷) و آرمیتاژ و کونر (۲۰۰۱) هم‌راستا و هم‌جهت است. میندرا و مویا (۲۰۱۷) در پژوهش خود باعنوان «خودکارآمدی مالی: یک عامل تعیین‌کننده ظرفیت مالی» با جامعه آماری افراد بزرگسال در مناطق شهری و روستایی اوگاندا، به این نتیجه رسیده‌اند که؛ نگرش مالی افراد بر ظرفیت مالی تأثیر معناداری دارد. تحقیق حاضر با جامعه آمار مشتریان بانک ملت در شهر تهران نیز این موضوع را تصدیق می‌کند.

برخی از دانشمندان سواد مالی را دانش استفاده از آگاهی‌ها و ابزارهای مالی می‌دانند که این آگاهی می‌تواند موجب خودکارآمدی مالی شود، یک فرد در صورتی با سواد مالی تلقی می‌شود که قادر به مدیریت مالیه شخصی خود در زندگی و جامعه در حال تغییر باشد. به عبارت دیگر سواد مالی برای دستیابی به خودکارآمدی مالی لازم و ضروری است. تحقیق حاضر با جامعه آماری مشتریان بانک ملت در شهر تهران نیز این موضوع را تصدیق می‌کند که در سطح اطمینان ۵ درصد؛ سواد مالی افراد بر خودکارآمدی مالی افراد تأثیر معناداری دارد. این نتیجه با آنچه در چهارچوب نظری ارائه شد و با نتایج پژوهش دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، (۱۳۹۴) میندرا و مویا، (۲۰۱۷) و لوساردی و میتچل (۲۰۱۱) هم‌راستا و هم‌جهت است.

به دلیل پیچیدگی‌های موجود در صنعت مالی این الزام وجود دارد که مشتریان برای تصمیم‌گیری و انتخاب فعال‌تر باشند. در این راستا سواد مالی برای افراد می‌تواند بسیار سودمند باشد چرا که می‌توانند با دانش و مهارتی که در این حوزه دارند، محصولات مالی از مؤسسات مختلف را ارزیابی کنند و تصمیم‌گیری کنند که آن محصول با توجه به وضعیتش، مناسب هست یا خیر. بنابراین سواد مالی می‌تواند افراد را در دستیابی و ارتقاء ظرفیت مالی کمک نماید. ولی در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که در جامعه آماری مشتریان بانک ملت در شهر تهران، سواد مالی بر ظرفیت مالی تأثیر چندانی ندارد. این نتیجه با آنچه در چهارچوب نظری ارائه شد و با نتایج پژوهش دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، (۱۳۹۴) میندرا و مویا، (۲۰۱۷) و لوساردی و میتچل (۲۰۱۱) در مغایرت است.

در نهایت خودکارآمدی مالی افراد بر ظرفیت مالی افراد در سطح معنی‌داری ۵ درصد؛ تأثیر معناداری دارد. این نتیجه با آنچه در چهارچوب نظری ارائه شد و با نتایج پژوهش حجازی و همکاران (۲۰۰۹)، میندرا و مویا، (۲۰۱۷) هم‌راستا و هم‌جهت است. خودکارآمدی متغیری میانجی در این تحقیق است، در مطالعات مختلف نشان داده شده است که اعتقاد به خودکارآمدی می‌تواند نقش میانجی در ارتباط بین متغیرهای مختلف و دستیابی به اهداف را داشته باشد. برای مثال حجازی و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که خودکارآمدی به صورت غیرمستقیم به عنوان یک نقش تسهیل‌کننده در فرآیند درگیری شناختی برای شناخت عملکرد موفقیت‌آمیز است. بنابراین خودکارآمدی در زمینه‌های مختلف می‌تواند باعث تغییر رفتار و تصمیمات افراد شود.

۷. پیشنهادات

- ایجاد زمینه‌های استفاده از خدمات مالی مفید رسمی (پسانداز، وام، بیمه و ...)، برای این منظور ایجاد امکان استفاده از خدمات متنوع مالی از قبیل بیمه، لیزینگ، کارگزاری بورس، مشاوره سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، مدیریت دارایی، خدمات تجارت الکترونیک و ... را برای مشتریان با هزینه کمتر و سرعت بیشتر باید فراهم کرد.
- انجام تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی واحدهای مختلف و بررسی گزارش‌های مالی و روشن‌نمودن وضعیت مالی شرکت از طریق متخصصان مالی و ارائه گزارشات با زبان ساده برای مشتریان بانک‌ها.
- ایجاد حس امنیت برای استفاده از خدمات مالی رسمی برای تراکنش‌های مالی، با اعلام سابقه‌ی موفق بانک و ارائه آمار رضایت مشتریان در وبسایت یا بروشورهای تبلیغاتی.
- ایجاد آگاهی نسبت به مقوله پسانداز، مشخص کردن دقیق روش‌ها و انواع پسانداز و اعلام آنها از طریق رسانه‌های موجود، پیشنهاد می‌گردد از پتانسیل فضای مجازی در این زمینه استفاده گردد (ایجاد پیج بیزنسی در اینستاگرام و کانال در تلگرام)
- آموزش در زمینه ی مدیریت دارایی‌ها و درآمدها از طریق ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای مشتریان در دوره‌های مشخص.

منابع

۱. الهی، ناصر و نامداری، زهره (۱۳۹۴). نقش فقر اخلاق در شکل‌گیری بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا. فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی. شماره ۱۲، صص ۱۲-۱۴۸.
۲. امانی، جواد؛ خضری آذر، هیمین و محمودی، حجت (۱۳۹۱). معرفی مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌روش حداقل مجزورات جزئی PLS-PM و کاربرد آن در پژوهش‌های رفتاری، مجله برخط دانش روانشناختی، شماره ۱، صص ۴۱-۵۵.
۳. پیغامی، عادل و مرادی باصیریف، امین (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر سواد مالی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
۴. حجازی، الهه؛ فارسی‌نژاد، معصومه و عسگری، علی (۱۳۸۶). سبک‌های هویت و پیشرفت تحصیلی: نقش خودکارآمدی تحصیلی، مجله روانشناسی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۴۱۳-۳۹۴.
۵. داوری، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۶. دیان‌تی دیلمی، زهرا و حنیفه‌زاده، محمد (۱۳۹۴). بررسی سطح سواد مالی خانواده‌های تهرانی و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۱۱۵-۱۳۹.
۷. راهنشین، علی (۱۳۹۱). دسترسی بانکی و مقایسه وضعیت ایران با کشورهای منطقه منا از طریق شاخص ترکیبی، دو فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی-اسلامی، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۴۳.
۸. رحیمی کلور، حسین و حمزه‌ای نسرین (۱۳۹۷). بازخوانی مفهوم اقتصاد مقاومتی و معرفی الگویی کامل برای آن. فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی. شماره ۲۵، صص ۳۱-۵۳.
۹. ضیایی‌پور، امیر و میلادیان، حسین (۱۳۹۵). تأثیر سواد مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش سراسری مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری.
۱۰. طغیان، مهدی و مرادی باصیری، امین (۱۳۹۵). تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش عمومی سواد مالی از منظر اقتصاد اسلامی، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۲۶۰-۲۲۷.

۱۱. عباسیان، عزت‌اله و فشی، فرزانه (۱۳۹۴). ظرفیت مالی، جایگزینی برای درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۱۸۳-۱۹۹.
۱۲. فرج‌زاده دهکردی، حسن؛ جعفری، فهیمه؛ رضازاده، محسن (۱۳۹۵). تأثیر کیفیت گزارش‌گری مالی بر رابطه بین ظرفیت تأمین مالی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکرد علوم پژوهشی نوین.
۱۳. قالمق، کریم؛ یعقوب‌نژاد، احمد و فلاح شمس، میرفیض (۱۳۹۵). تأثیر سواد مالی بر تورش‌های رفتاری سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت مالی، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۷۵-۹۴.
۱۴. مرادی، مجید (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر روانشناسی مالی و رفتار مالی، فصلنامه مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره سوم، شماره ۱، صص ۱۱-۳۳.
۱۵. موذنی، الهام؛ دائی کریم‌زاده، سعید و ابراهیم‌زاده، رضا (۱۳۹۴). بررسی سطح سواد مالی (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی‌ارشد رشته‌های مالی دانشگاه‌های شهر اصفهان)، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱.
۱۶. مهاجران، بهناز؛ عباس‌زاده، زهرا و بابایی، حمیده (۱۳۹۶). تاریخچه خودکارآمدی، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی جامعه‌شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
۱۷. یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و موسوی مقدم، سیده طیبه (۱۳۹۸). عوامل تأثیرگذار بر انتقال بین‌نسلی فقر مطالعه موردی شهرستان آبدانان، با تأکید بر رویکرد اسلام. فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی. شماره ۲۸، صص ۹۹-۱۲۳.

19. Amatuucci, F. M. & Crawley, D. C. (2011). Financial self-efficacy among women entrepreneurs. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 3, pp 23-37.
20. Armitage, C. J. & Conner, M. (2001). Efficacy of the theory of planned behaviour: A meta-analytic review. *British journal of social psychology*, 40. pp 471-499.
21. Atkinson, A. & Messy, F. (2012). Measuring Financial Literacy: Result of the OECD/International Network on Financial Education (INFE) pilot Study. OECD working paper on Finance, Insurance and Private Pension, OECD Publishing, No.15.
22. Bandura A. (2005). The evolution of social cognitive theory. In K. G Smith & M.A. Hitt (Eds.) *Great Minds in Management*. Oxford University Press; pp 9-35 .
23. Bongomin, George Okello Candiya. Joseph Mpeera Ntayi John C. Munene Isaac Nkote Nabeta , (2016). "Social capital: mediator of financial literacy and financial inclusion in rural Uganda", *Review of International Business and Strategy*, Vol. 26 Iss 2. pp 291 – 312.
24. Chin W. (1998). The Partial Least Squares Approach to Structural Equation Modeling. *Advances in Hospitality and Leisure*. 8(2): 295-336.
25. Demirguc-kunt, A. & Klapper, L. (2012). Measuring Financial Inclusion: The Global Findex Database. *World Bank Policy Research Working Paper*.
26. Finn, D.R. (1992). A view from economics. *American Behavioral Scientist*, 35, pp 658-668.
27. James Forbes, S. Murat Kara, (2010), Confidence mediates how investment knowledge influences investing self-efficacy, *Journal of Economic Psychology*, 31, (3), pp 435-443.
28. Gresham, A. and Fontenot, G. (1989). The differing attitudes of the sexes toward money: an application of the money attitudes scale, in Gordon, P.J. and Kellerman, B.J. (Eds), *Advances in Marketing*, Southwestern Marketin Association, Charleston, SC, pp 380-384.
29. Hannig, A. & Jansen, S. (2010). Financial inclusion and financial stability: current policy issues.
30. Huston, Sandra. 2010. Measuring Financial Literacy. *Journal of Concumer Affairs*, 44 (Summer), pp 296-316.
31. Hejazi M, Fettke J, Paris O, Steup M (2009) The two plastidial starch-related dikinases sequentially phosphorylate glucosyl residues at the surface of both

the a- and b-type allomorphs of crystallized maltodextrins but the mode of action differs. *Plant Physiol.* 150(2):pp 962–976.

32. Hira, T. K. (2010). The NEFE Quarter Century Project: Implications for Researchers, Educators, and Policy Makers from a Quarter Century of Financial Education, The Quarter Century Project: 25 Years of Research in Financial Education, Denver: National Endowment for Financial Education.
33. Lin, Chaonan. Yu-Jen Hsiao, Cheng-Yung Yeh (2017). Financial literacy, financial advisors, and information sources on demand for life insurance. *Pacific-Basin Finance Journal*.
34. Lusardi, A. & Mitchell, O. S. (2011). Financial literacy and planning: Implications for retirement wellbeing. National Bureau of Economic Research.
35. Massara, M. A. & Mialou, A. (2014). Assessing Countries' Financial Inclusion Standing-A New Composite Index, International Monetary Fund.
36. Mindra, Rachel. Moya, Musa (2017). "Financial self-efficacy: a mediator in advancing financial inclusion", *Equality, Diversity and Inclusion: An International Journal*, Vol. 36. Issue. 2.
37. Mindra, Rachel. Musa Moya, Linda Tia Zuze, Odongo Kodongo, (2017). "Financial self-efficacy: a determinant of financial inclusion", *International Journal of Bank Marketing*, Vol. 35. Issue: 3.
38. OECD. (2014). PISA 2012 Assessment and Analytical Framework: Mathematics, Reading, Science, Problem Solving and Financial Literacy. OECD Publishing.
39. Rowley, M. E., Lown, J. M. & Piercy, K. W. (2012). Motivating Women to Adopt Positive Financial Behaviors. *Journal of Financial Counseling & Planning*, 23, pp 47-62.
40. Sandler, M.E. Career Decision-Making Self-Efficacy, Perceived Stress, and an Integrated Model of Student Persistence: A Structural Model of Finances, Attitudes, Behavior, and Career Development. *Research in Higher Education* 41, pp 537–580
41. Scheresberg Carlo. (2013). Carlo de Bassa Financial Literacy and Financial Behavior among Young Adults: Evidence and Implications. *Advancing Education in Quantitative Literacy*, Volume: 6. Issue: 2. pp1-22.
42. Sehgal, Prachee. Ranjeet Nambudiri, Sushanta Kumar Mishra (2017). Teacher effectiveness through self-efficacy, collaboration and principal

- leadership. *International Journal of Educational Management*, Volume: 31. Issue: 4.
43. Serrao, M., Sequeira, A. & Hans, B. (2012). Designing a Methodology to Investigate Accessibility and Impact of Financial Inclusion.
44. Sivaramakrishnan, Sreeram. Srivastava, Mala. Rastogi, Anupam (2017). Attitudinal factors, financial literacy, and stock market participation *International Journal of Bank Marketing*, Volume: 35. Issue: 5.
45. Stajkovic Alex, Luthans Fred (1998). Self-Efficacy and Work-Related Performance: A Meta-Analysis. *Plycbological Bulletin*. Volume: 124 Issue: 2; pp 240-261.
46. Yadav, Priyanka. Sharma, Anil Kumar (2016). Financial inclusion in India: an application of TOPSIS. *Humanomics*, Volume: 32 Issue: 3.
47. Yamauchi, K.T. and Templer, D.I. (1982). The development of a money attitude scal, *Journal of Personality Assessment*, 46(5) ,pp 22- 21.